

نقش راهبرد دریایی در توسعه قدرت دریایی جمهوری اسلامی ایران

هاشم منفرد

افسر نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران و دانش آموخته کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی

چکیده:

جمهوری اسلامی ایران به واسطه قرار گرفتن در قسمت شمال خلیج فارس، تنگه هرمز و دریای عمان، و مجاورت با دریای خزر از موقعیت دریایی ویژه ای در منطقه و جهان برخوردار است. واقع شدن در بیضی استراتژیک انرژی، وجود منابع سرشار نفت و گاز و سایر مواد معدنی در آب‌های سرزمینی و فلات قاره ایران، وجود بیش از سه هزار کیلومتر مرز آبی، برخورداری از ظرفیتهای بالا در عرصه صنایع دریایی، جاذبه‌های ویژه در حوزه گردشگری دریایی و سواحل مناسب جهت توسعه بنادر، انجام بیش از نود درصد مبادلات تجاری کشور از طریق دریا و ... اهمیت داشتن یک قدرت دریایی برتر در منطقه و جهان را برای کشور ما ضروری می‌نمایند. از سوی دیگر دستیابی به قدرت دریایی تنها در صورت اتخاذ راهبردی دریامحور در سیاستهای کلان کشور محقق خواهد شد. لیکن به واسطه غلبه سیاست بری در سازماندهی سیاسی فضا و غفلت از راهبرد دریای پایه در مدیریت کلان کشور، پیامدهای مخربی در عرصه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر کشور تحمیل و باعث بروز پدیده مرکز-پیرامون در فضای سرزمینی کشور گردیده که به تبع آن شاهد افزایش فرایند تمرکز گرایی، افزایش نارضایتی‌های اقتصادی - اجتماعی، ادامه روند مهاجرت و حاشیه نشینی در اطراف پایتخت و چند شهر بزرگ، عدم توسعه مناطق ساحلی، افزایش احساس تبعیض و فاصله طبقاتی، گسستگی پیوند ارگانیک بین بخشهای مختلف اقتصادی و مناطق مختلف کشور، افزایش تخریب محیط زیست و فشارهای اکولوژیکی بویژه در اثر رشد بی‌رویه شهرهای بزرگ، عدم بهبود در وضع اشتغال و ادامه روند بیکاری، توزیع نامتوازن جمعیت و تخلیه برخی از بخشهای کشور بوده ایم.

لذا در این پژوهش پس از تشریح موقعیت دریایی جمهوری اسلامی ایران به بررسی نقش راهبرد دریامحور در توسعه قدرت دریایی و تاثیر آن بر سیاستهای کلان کشور میپردازیم.

واژه‌های کلیدی: راهبرد دریایی، قدرت دریایی، دریا، خلیج فارس، دریای عمان، دریای خزر، تنگه هرمز، ایران

۱- مقدمه:

تاریخ نشان داده است که در گذشته، نقش قدرت رزمی در خشکی، در تعیین سرنوشت جنگ و ساختن قدرت جهانی و یا منطقه ای، اهمیت بیشتری داشته است و اساساً جنگها بیشتر ساختار زمینی داشته‌اند تا ساختار دریایی، و عملیات دریایی مکمل جنگهای زمینی و خشکی بوده اند. قدرتهای بزرگ جهانی نظیر هخامنشیان، ساسانیان، رومیان، مسلمانان، حکومتهای ایرانی بعد از اسلام، مغولها و تاتارها، عثمانیها و غیره، عمدتاً قدرتهای خشکی بوده‌اند. اهمیت قدرت دریا و تسلط بر دریاها و یافتن موقعیت قابل رقابت با قدرت خشکی، به بعد از آغاز دوره استعمار و باز شدن پای اروپاییان به پهنه اقیانوسهای جهان باز می‌گردد.

امروزه نیز قدرتهای بزرگ با بهره گیری از استراتژی حضور در دریاها، آبراهها و تنگه‌های مهم، در صدد بهره برداری از منابع سرشار دریایی و فعالیت در عرصه‌های گوناگون تجاری، اقتصادی و نظامی و ... در آبهای جهان می‌باشند.

کشور ما نیز به واسطه قرار گرفتن در مجاورت دریای عمان، خلیج فارس، تنگه هرمز و دریای خزر از موقعیت ویژه ای در این حوزه برخوردار می‌باشد. لیکن به دلیل غالب بودن سیاست بری و فقدان راهبرد دریایی، نه تنها نتوانسته ایم از این موقعیت بهره لازم را ببریم بلکه شاهد توسعه نیافتگی در ابعاد گوناگون این عرصه می‌باشیم.

۲ - سوال اصلی

اتخاذ راهبرد دریایی چه تاثیری بر ارتقای قدرت دریایی جمهوری اسلامی ایران دارد؟

۳ - فرضیه

با توجه به موقعیت ویژه جمهوری اسلامی ایران از حیث مجاورت با خلیج فارس، دریای عمان، دریای خزر و تنگه هرمز، لذا اتخاذ راهبرد دریای پایه می‌تواند تاثیر بسزایی بر ارتقای قدرت دریایی کشور گذارد.

۴ - روش تحقیق:

این تحقیق به روش توصیفی تحلیلی و مبتنی بر جمع آوری داده‌ها، بر اساس جمع آوری اسناد کتابخانه‌ای می‌باشد.

۵ - مبانی نظری:**۱-۵ - منافع ملی:**

به مجموعه ای از همه پدیده ها و عناصری که در حفظ و بقا و بهتر زیستن یک ملت نقش آفرین است منافع ملی آن ملت یا کشور گفته می شود. (مجتهدزاده، ۱۳۸۶ : ۸۰) و یا به عبارت دیگر منافع ملی عبارتست از ارزشهای مادی و معنوی که افراد یک ملت نسبت به آنها احساس تعلق، وابستگی و مالکیت نموده و برای حفاظت از آنها و جلوگیری از تصرف آنها بدست سایرین از خود حساسیت نشان داده و حاضر به پرداخت هزینه می باشد. (حافظ نیا، ۱۳۸۵ : ۳۰۵)

۲-۵ - اهداف ملی

عبارتست از مقصدهای مادی و معنوی که یک ملت برمیگزیند و می‌کوشد در بستر زمان و حیات مستمر خود و به محوریت حکومت و نظام سیاسی و با تکیه بر منابع قدرت ملی به آنها نائل آید. اهداف ملی می‌توانند کمی یا کیفی، اساسی و بنیادی یا روبنائی، بلندمدت یا کوتاه مدت، آرمانی یا واقعی و تحقق پذیر باشند. (حافظ نیا، ۱۳۸۵ : ۳۱۰)

با توجه به تعاریف مزبور، تفاوت بین منافع و اهداف ملی، علی‌رغم تداخل مفهومی آنها مشخص می‌شود. منافع ملی از جنس ارزش و منابع هستند، که توسط آحاد ملت درک می‌شوند، ملت نسبت به آنها احساس تعلق و مالکیت و وابستگی ساختاری می‌کند، بر پایه واقعیت‌های جغرافیایی، تاریخی، فرهنگی و حیثیتی تعریف می‌شوند. ملت برای حفاظت و کنترل آنها هزینه پرداخت می‌کند و تا حد جانفشانی پیش می‌رود، دولت‌ها و حکومتها قدرت مانور کمی در تغییر و تحول آنها دارند.

در حالیکه، اهداف ملی از جنس عزم، قصد و اراده هستند، توسط حکومت یا نخبگان ایدئولوژیک و سیاسی تعریف و تدوین شده و به ملت القاء و یا توجیه می‌شوند. سپس بصورت رسمی یا ضمنی رضایت ملی کسب می‌شود، قابل تغییر و اصلاح بوده و انعطاف پذیرند، تحقق آنها تا اندازه‌ای متکی و مرتبط با منافع و منابع و قدرت ملی می‌باشد. ماهیتاً وضعی هستند و حکومتها با سنجش میزان توان و قدرت ملی می‌توانند آنها را ایجاد یا حذف و یا اصلاح کنند. حتی می‌توانند اهداف قانونی و مصوب در قانون اساسی و یا قوانین عادی را با سازوکارهای قانونی دیگر تغییر دهند و یا اهداف ایدئولوژیک و یا فرامرزی خود را حذف نمایند و براهتی آنها توجیه و به ملت خود توضیح دهند. بنابراین قدرت مانور حکومتها در تغییر و تحول آنها بیشتر از منافع ملی است. (حافظ نیا، ۱۳۸۵ : ۳۱۱)

۳-۵ - قدرت ملی:

تهامی در کتاب امنیت ملی قدرت ملی را اینگونه تعریف نموده است: قدرت ملی عبارت است از مجموعه ی توانایی ها و قابلیت های یک کشور، برای نفوذ در رفتار سایر کشورها در جهت رسیدن به منافع ملی آن کشور. قابلیت های یک کشور به مفهوم شایستگی، سزاواری، استعداد ذاتی و توانایی های بالقوه و بالفعل آن برای انجام راهکارهای معین است.

جان. ام. کالینز- استراتژیست امریکایی- قدرت ملی را مجموعه ای از توانایی های بالقوه و بالفعل یک کشور تعریف می کند که از توانایی های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، علمی، تکنولوژیک و نظامی آن کشور ناشی می شود. (تهامی، ۱۳۸۴ : ۱۰۸)

مجتهدزاده قدرت ملی را عبارت از توان یک ملت در اعمال اراده ملی خود در درون و در ورای مرزها می داند. از نظر وی چنین شرایطی فراهم نمی آید مگر اینکه آن ملت توانسته باشد به مجموعه ای از ابزارهای قانونی، سیاسی، اقتصادی و دفاعی دسترسی پیدا کند. این مجموعه مفهوم " قدرت ملی" را در اتکا به یک نظام حکومتی مردم سالارانه، توأم با اقتصادی پیشرفته، نیروی دفاعی ورزیده و مجهز که بتواند موازنه های لازم منطقه ای را واقعیت دهد و در چشم اندازی از خواسته های پسندیده ملی، منطقه ای و جهانی آن ملت پیگیری نماید، تحقق می بخشد. (مجتهدزاده، ۱۳۸۶ : ۷۶)

از نظر حافظ نیا قدرت ملی عبارتست از: مجموعه‌ای از توانایی‌های مادی و معنوی که در قلمرو یک واحد جغرافیایی و سیاسی به نام کشور یا دولت وجود دارد. و یا می‌توان گفت قدرت ملی عبارتست از: «توانایی، قابلیت و ظرفیت یک ملت و یک کشور برای استفاده از منابع مادی و معنوی خود با هدف اعمال اراده ملی و تحویل اهداف و منافع ملی» (حافظ نیا، ۱۳۸۵ : ۲۴۵)

مهمترین کارکرد قدرت ملی کشورها، تأمین منافع ملی و حفاظت و بسط آن است. البته کیفیت و سطح تأمین منافع تابعی از سطح و کیفیت قدرت ملی آن کشور است، ولی در ایجاد ارتباط بین این دو متغیر عامل مهمی ایفای نقش می‌کند که از آن به «استراتژی» تعبیر می‌شود. (همان : ۲۵۴)

۴-۵ - استراتژی

استراتژی دانش سیاستمداری و کشورداری است و استراتژی ملی علم و فن توسعه هماهنگ تواناییهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اعتقادی، اخلاقی و نظامی یک ملت و کاربرد آن در جهت تحقق اهداف ملی است در تعریف دیگری از استراتژی آمده است:

« استراتژی عبارتست از هنر به کارگیری تمام عناصر قدرت یک ملت یا گروهی از ملتها، برای تحقق اهداف آنها در زمان صلح و جنگ » (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۲۵۵)

استراتژی هنر رهبران سیاسی کشورها است. آنها از یکسو به توانایی، قابلیت و سطح قدرت ملی خود نگاه می‌کنند و از سوی دیگر به اهداف و منافع ملی خود نظر می‌افکنند. سپس می‌اندیشند که چه تدبیر یا تدابیری در پیش گیرند که از طریق سطح و میزان قدرت ملی خود بتوانند به حداکثر دستیابی به اهداف و منافع ملی خود تحقق بخشند. بنابراین سه عنصر قدرت ملی، اهداف و منافع ملی و استراتژی ملی بهم دیگر مرتبطند و بر هم اثر می‌گذارند.

(همان: ۲۵۴)

عزتی معتقد است هدفهایی که یک ملت یا گروهی از ملتها در نظر می‌گیرند، باید در سه حوزه سیاست خارجی، سیاست اقتصادی و سیاست نظامی سازگار و هماهنگ باشد... خلاصه آنکه این هدفها را باید مفهوم واحد و وحدت بخشی هدایت کند و این همان چیزی است که آن را استراتژی بزرگ می‌نامند. (عزتی، ۱۳۸۴: ۸)

- جان ام. کالینز می‌گوید:

- استراتژی بزرگ عبارت است از فن و علمی که قدرت ملی را تحت تمام شرایط به منظور کنترل طرف مقابل به اندازه و طریق مورد نظر با به کار بردن تهدید، نیروهای مسلح، فشار غیرمستقیم، سیاست، طفره و گریز و سایر ابزارهای قابل تصور بسیج می‌کند و بدین وسیله علایق و مقاصد امنیت ملی را برآورده می‌سازد. (عزتی، ۱۳۸۴: ۹)

استراتژی نظامی و استراتژی کلان به یکدیگر مرتبط هستند، ولی هم معنی و مترادف نمی‌باشند. استراتژی نظامی خشونت یا تهدید به خشونت را پیش بینی می‌کند، و در جستجوی دست‌یابی به پیروزی با استفاده از نیروهای نظامی است. استراتژی کلان، اگر موفقیت آمیز باشد، هرگونه نیاز به خشونت را از بین می‌برد و نه تنها به ظفر یافتن بلکه به صلح پایدار نگاه می‌کند. استراتژی نظامی عموماً در صلاحیت فرماندهان نظامی قرار دارد، و استراتژی کلان حدود کاری سیاستمداران است. استراتژی کلان بر استراتژی نظامی که تنها یکی از عناصرش است، نظارت دارد. (لطفیان، ۱۳۸۷: ۲۳)

از سوئی ژئواستراتژی را می‌توان چنین تعریف نمود: « ژئواستراتژی » علمی است که در به تصویر کشیدن فضاهای جغرافیایی مطالعه می‌نماید، به نحوی که فضاها از این کارایی برخوردار باشند که در « حداقل زمان » و « حداقل هزینه »، « حداکثر تولید » را در مقیاس استراتژیک و با موضوعات متفاوت تأمین کنند. (مینایی، ۱۳۸۶: ۸۵)

۶ - پیشینه تحقیق:

آلفرد تایرماهان (۱۸۴۰-۱۹۱۴) فارغ التحصیل آکادمی دریایی آمریکا که (از سال ۱۸۶۶ تا ۱۹۰۶) چهل سال از عمر خود را در نیروی دریایی این کشور گذرانید و با درجه دریاسالاری (آدمیرال) بازنشسته و مسئولیت دانشگاه جنگ نیروی دریایی ایالات متحده آمریکا را برعهده داشت، بیش از هر فرد دیگری به تئوری قدرت دریایی و استراتژی آن اهمیت داد و در خط مشی نیروی دریایی آمریکا تغییرات مهمی ایجاد کرد و بر تفکر دریایی فرانسه، ایتالیا، روسیه، ژاپن و دیگر کشورهای نسبتاً پر قدرت تأثیر نهاد. سه اثر عمده وی در این زمینه عبارتند از:

۱- تأثیر قدرت دریایی بر تاریخ؛ ۲- تأثیر قدرت دریایی بر انقلاب و امپراتوری فرانسه؛ ۳- زندگی نلسون

کلیه این آثار با یکدیگر ارتباط دارند و به طور کلی در این باره بحث می‌کنند که شرط اصلی برای اتحاد یک قدرت جهانی، کنترل بر دریاهاست. به عبارت دیگر، نظارت بر دریاها، اولین قدم در راه کسب قدرت برتر جهانی است. به نظر وی، در نزاع بین قدرتها، نیروهایی که در موقعیت دریایی قرار دارند از امکانات بیشتری برای دست گرفتن ابتکار عمل برخوردار هستند.

به عقیده ماهان، در دنیای جدید تجارت و بازرگانی، موقعیت دریایی مناسب، دارای مزایای اقتصادی، سیاسی زیادی است، در حالی که کشورهای محصور در خشکی، در این خصوص از اهمیت کمتری برخوردار هستند. (عزتی، ۱۳۸۸: ۵۴)

۷ - یافته های تحقیق

۷-۱ - موقعیت دریایی جمهوری اسلامی ایران

در سده بیستم، استراتژی‌های نظامی حائز اهمیت ویژه بود و تسلط بر قلمروهای ژئواستراتژیک در رأس اهداف استراتژیک قرار داشت، ولی در سده بیست و یکم، دیگر چنین نیست و ما در حال گذار از قلمروهای ژئواستراتژیک سابق هستیم که به سرعت با یکدیگر تداخل پیدا می‌کنند. (مینایی، ۱۳۸۶: ۱۳۶)

پس از پایان جنگ سرد با تغییر شاخصها در انتخاب قلمروهای ژئواستراتژیک و اولویت یافتن مسائل اقتصادی بر مسائل نظامی، انطباقی بین قلمروهای ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک پدید آمد. به گونه‌ای که در مباحث ژئواکونومیک، موضوع ژئوپلیتیک نفت و امنیت استراتژیک منابع انرژی به عنوان مهمترین عامل تعیین کننده در تعیین استراتژیهای جهانی مطرح گردید. بر همین اساس، در آغاز سده بیست و یکم دو عامل عمده منابع و ارتباطات نقش اصلی را در شکل گیری مناطق ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک بازی می‌کنند. از طرفی با نگاهی به نقشه منابع انرژی، درمی‌یابیم که بیش از هفتاد درصد ذخایر نفت و گاز جهان در منطقه کوچکی از حوزه خلیج فارس تا حواشی خزر نهفته است. به همین دلیل این منطقه به عنوان تکیه گاه قلمروهای ژئواستراتژیک انتخاب گردیده است، که در آن «ایران» نقش کلیدی و محوری دارد. (همان، ۱۳۷: ۱۲۷)

در ترمیم فرضیات مکیندر، اسپایکمن و دیگر نظریه پردازان مبنی بر سلطه به «هارتلند» و با در نظر گرفتن تغییر قلمرو، پس از جنگ سرد از مبنای ژئواستراتژیک به ژئواکونومیک، پرفسور «جفری کمپ» در نوشته‌ای که در سال ۱۹۹۷ منتشر کرد، مجموعه سرزمین‌های دربرگیرنده خلیج فارس و دریای خزر را " منطقه بیضی شکل استراتژیک انرژی " نام داده است که سرزمین ایران چون پلی استراتژیک، این دو منبع بزرگ انرژی جهان را به هم پیوند می‌دهد. در واقع بیش از هفتاد درصد از ذخایر اثبات شده نفت و بیش از چهل درصد از ذخایر گاز طبیعی جهان در این منطقه قرار دارد. (عزتی، ۱۳۸۸: ۹۵)

خلیج فارس در نظریه‌های ژئوپلیتیک گذشته، جزء سرزمین‌های حاشیه‌ای به شمار می‌رفت. اما، در نظریه‌های جدید ژئوپلیتیک این دریا به سرزمین «هارتلند» یا محور یا به گفته لوهازن به مرکز مرکزها تبدیل شده است. از سوی دیگر، با اهمیت یافتن اقتصاد، در نظام جدید جهانی مناطقی در جهان اهمیت دارند که از نظر انرژی غنی باشند. از این رو، خلیج فارس در نظریه‌های ژئواکونومیک نیز، موقعیت بی‌نظیری بدست آورده است. به طوری که اکنون هیچ منطقه‌ای در جهان نمی‌تواند از این نظر با آن رقابت کند. (زین العابدین، ۱۳۸۵: ۹۶)

از سوی دیگر دریای خزر وضعیت بسیار ویژه و منحصر به فردی دارد. خزر بزرگترین دریاچه جهان می‌باشد که واجد ذخایر زنده بی‌نظیری است، از جمله فسیل‌های زنده کره زمین یعنی ماهیان خاویاری را در خود پناه داده است. همچنین حیات و اشاعه بسیاری از ساحل نشینان به این دریا وابسته است. (عزتی، ۱۳۸۸: ۹۳) دریای خزر بیش از ۲۰۰ میلیارد بشکه نفت، ۲۷۹ تریلیون فوت مکعب گاز طبیعی را در خود جای داده و شرکت‌های نفتی تاکنون بیش از چهار میلیارد دلار برای استخراج این منابع هزینه کرده‌اند. (مینایی، ۱۳۸۶: ۱۴۷) در یک جمع بندی از منظر ژئواستراتژیک حوزه خزر به سبب سه عامل: منابع انرژی (نفت و گاز)، موقعیت استراتژیک (جایگاه امنیتی) و موقعیت ارتباطی و مواصلاتی از کانون‌های اصلی کشمکش سیاسی، نظامی و اقتصادی خواهد بود. از این رو هر گونه تغییر و تحولی در حوزه، مناطق پیرامونی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. همین مسأله کشورهای ساحلی و قدرت‌های فرمانطقه‌ای را تحریک کرده که در پی به دست آوردن حداکثر منافع ژئوپلیتیک خود از این دریاچه باشند. (احمدی پور، لشگری، ۱۳۸۹: ۶)

موقعیت ژئوپلیتیک جنوب شرق ایران با همجواری با کشورهای پاکستان و افغانستان و قرار گرفتن در مسیر دسترسی به آب‌های آزاد جهان برای کشورهای آسیای مرکزی و افغانستان و ... جایگاه ویژه‌ای را برای گسترش مبادلات منطقه‌ای و بین‌المللی ایران فراهم نموده است. برآیند ظرفیت‌های ارتباطی سواحل جنوب شرق ایران، آلترناتیو خروج نسبی ایران را از تنگنای تنگه‌ی هرمز، اتصال کشورهای شمال ایران و ترانزیت کالا به دریاهای آزاد و سایر مناطق جهان و انتقال انرژی نفت و گاز را به دنبال دارد. ساحل عمان دسترسی را به پهنه‌های اقیانوسی هند باز می‌کند که می‌تواند نتایج ژئواستراتژیک و اقتصادی در زمینه‌های حمل و نقل، تجارت دریایی، امنیت انتقال انرژی، شیلات و منابع دریایی داشته باشد. (حافظ نیا، رومینا، ۱۳۸۴: ۱۷) دریای عمان، ایران را عضو دو سازه منطقه‌ای یعنی سازه‌ی دریای عمان و سازه‌ی میان قاره‌ای اقیانوس هند می‌کند. سازه‌ی اقیانوس هند یک سازه‌ی میان قاره‌ای بین کشورهای آفریقا، آسیا و اقیانوسیه است. یعنی ایران با کشورهای سه قاره دارای منافع مشترک می‌شود. به عبارتی عضویت در سازه‌های دریای عمان و اقیانوس هند و توسعه‌ی روابط با اعضای مربوط به آن در سه قاره آسیا، آفریقا و اقیانوسیه ظرفیت ژئوپلیتیک ایران را توسعه می‌دهد. (حافظ نیا، رومینا، ۱۳۸۴: ۸)

مقام معظم رهبری در مورخه ۸۷/۹/۶ در رابطه با حساسیت و اهمیت دریای عمان چنین فرموده اند: *این ساحل عظیم و طولانی بسیار حساس که ما در دریای عمان داریم درواقع یک گنج است و باید این را اعتراف کنیم که این را کشف نکرده بودیم. دریای عمان، ساحل دریای عمان و حضور در دریای عمان یک گنج است، یک ذخیره است. ما همه حواسمان را بردیم متوجه خلیج فارس کردیم که البته خلیج فارس هم خیلی حساس است، شکی نداریم اما توجه نکردیم به این ثروت عظیمی که ما در دریای عمان داریم. دریای عمان عقبه اساسی و تعیین کننده سرنوشت خلیج فارس است. (سیاری، طحانی، ۱۳۹۰: ۵۱) و در مورخه (۸۶/۱۲/۱۹) در این رابطه فرمودند:*

کار در دریای عمان دشوارتر و بسیار مهم است زیرا امروز دشمن ما فلان کشور همسایه خلیج فارس نیست. دشمنی که ما احتمال حمله و تهدید او را می‌دهیم کسی است که در اقیانوس‌ها گسترش یافته است. بنابراین، کار خیلی مهم است. (همان: ۵۱)

جمهوری اسلامی ایران، با توجه به ملاحظات ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک این منطقه و در پرتو چشم‌اندازی آینده‌نگر، می‌تواند جایگاه خود را برای اتصال شمال - جنوب و شرق - غرب، در نظام نوین بین‌المللی تثبیت و ارزش موقعیت استراتژیک خود را به مراتب ارتقا بخشد و از رهگذر این مبادلات عظیم، ظرفیتهای جدیدی برای انباشت سرمایه‌ها، به عنوان موتور توسعه در کشور و محور شرق خلق کند. (ابراهیم زاده، ۱۳۸۹: ۱۰۱) در عین حال پروژه پیشنهادی عظیم انتقال انرژی سازمان ملل متحد (یونیدو) برای قرن آینده که اروپای غربی، خاورمیانه، آسیای مرکزی، خلیج فارس و آسیای شرقی را به هم متصل می‌کند، از جهات چهارگانه، ایران را به حلقه اتصال این سیستم عظیم تبدیل کرده است که به تبع آن منطقه جنوب شرق ایران نیز از این امتیاز برخوردار میگردد. در طرح یونیدو سواحل دریای عمان به عنوان نزدیک‌ترین راه و مسیر انتقال انرژی بین قاره‌ای شناخته شده است. در این طرح، چابهار به عنوان بزرگترین ترمینال مایع سازی گاز و انتقال آن به بازار مصرف جنوب شرق آسیا از جمله چین و ژاپن در نظر گرفته شده است. (همان: ۱۰۰)

روند کنونی تحولات نظام بین‌المللی بیان‌کننده این نکته است که کشوری نقش قدرت برتر جهانی را در سده بیست و یکم بازی خواهد کرد، که بتواند بر منابع و خطوط انتقال انرژی جهان به ویژه نفت و گاز تسلط داشته باشد. این تفکر استراتژیک، بیش از هر چیز کنترل منطقه ای را ایجاب می‌کند که از کانال سوئز تا گذرگاه استراتژیک «مالاکا» را دربرمی‌گیرد. این حوزه ژئواستراتژیک جدید، سه منطقه جغرافیایی را دربردارد که عبارتند از:

- ۱- جنوب غرب آسیا با محوریت حوزه خلیج فارس، به ویژه ایران؛
- ۲- جنوب آسیا با محوریت هندوستان؛
- ۳- جنوب شرق و شرق آسیا با محوریت ژاپن.

در این مثلث استراتژیک جدید، ایران نقشی حیاتی دارد، زیرا تنها کشوری است که برای انتقال انرژی از آسیای مرکزی به دریای عمان و خلیج فارس، از امکانات ویژه‌ای برخوردار است. ایران نقش محوری و بسیار مهمی در ژئوپولیتیک دریای خزر و خلیج فارس دارد. (مینایی، ۱۳۸۶: ۱۴۷) لذا با توجه به موارد مذکور و آشنایی با موقعیت حساس و ویژه دریاهای کشورمان در منطقه و جهان، لزوم اتخاذ راهبرد دریایی جهت صیانت از منافع ملی و ارتقای امنیت ملی کاملاً مشهود می‌باشد.

۲-۲- اهمیت اتخاذ راهبرد دریایی برای جمهوری اسلامی ایران

استراتژی ملی دریایی هنر و علم به کار بردن هماهنگ عناصر قدرت دریایی کشور برای دستیابی به هدفهای ملی بخش دریایی در تمام شرایط و در زمان جنگ و صلح است. (کامران، ۱۳۸۱: ۸)

نمی‌توان گفت که مفهوم قدرت دریایی همواره با واژه جنگ دریایی یکسان می‌باشد. بلکه این مفهوم معنایی وسیع‌تر داشته و سه محور را در برمی‌گیرد:

کنترل تجارت و داد و ستد بین‌المللی، عملیات نیروی دریایی در جنگ و استفاده از نیروهای دریایی به عنوان ابزار دیپلماسی، بازدارندگی و نفوذ سیاسی در دوران صلح. (تنگرودی، ۱۳۸۳: ۱۶۶) استراتژی دریایی که از طریق نبرد قطعی و محاصره نیروی دریایی رقیب و با کمک ناوگان دریایی صورت می‌پذیرد، فرماندهی و کنترل بر دریا را به ارمان می‌آورد و این فرماندهی به دولت مربوطه امکان بهره جویی از سواحل، تجارت دریایی، تدارک قدرت در ساحل و دریا، دیپلماسی دریایی و بازدارندگی استراتژیک را می‌دهد. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۴: ۴۳۷)

اصل حاکم در راهبرد دریایی، نظارت، کنترل و سلطه همه جانبه بر دریاها، خطوط حساس مواصلاتی دریایی، گلوگاه‌ها و تنگه‌های دریایی در دو بعد تجاری و نظامی است. تسلط بر دریاها مشتمل بر سطح، اعماق و فضای بالای دریاهاست، هر کشوری که بتواند با بهره‌گیری از فناوری برتر و عناصر دیگری که بر قدرت دریایی می‌افزاید (مانند علاقه مند کردن مردم به امور دریایی، موقعیت جغرافیایی مناسب و غیره) به بهره برداری یک جانبه از دریا مبادرت نماید و سایر کشورها را در استفاده از امکانات دریایی محروم کند، قدرت دریایی برتر محسوب می‌شود. (سیاری، طحانی، ۱۳۹۰: ۹۴)

اولین نظریه کالبد شکافی قدرت دریایی را ماهان مطرح کرده و

شش عنصر پایه برای کسب قدرت دریایی به وسیله کشورها را عنوان کرده است که عبارتند از:

- ۱- موقعیت دریایی بین یک یا چند دریا و اقیانوس،
- ۲- وسعت ساحل برای دسترسی به دریا و مقابله با تهاجمها،
- ۳- وضعیت مناسب ساحلی از نظر قابلیت گسترش تأسیسات دریایی نظیر
- ۴- روحیه دریانوردی مردم که بر فعالیت و توجه آنها نسبت به فعالیتهای دریایی نظیر حمل و نقل و تجارت اثر می‌گذارد،

- ۵- جمعیت کافی از نظر تأمین نیروی انسانی سرباز و فرمانده در کشور و پایگاههای دریایی ماوراء مرزها ،
- ۶- خط مشی دولت در خصوص توسعه قدرت دریایی که ماهان برای آن اهمیت ویژه ای قائل بود. (حافظ نیا، ۱۳۸۳: ۲۰۵)
- نظریه‌های قدرت و استراتژی دریایی با توجه به تحول تکنولوژی دچار تغییر شده ، ولی هنوز نتوانسته است چهارچوب کلی نظریه ماهان را به هم زند . امروزه قدرت دریایی را مرکب از سرچشمه‌ها و عناصری می‌دانند که به شکل گیری آن منجر می‌شود ؛ سرچشمه‌ها و منابع قدرت عبارت است از : جامعه و ملت دریایی ، منابع ، سبک حکومت و سیاست دولت و جغرافیا که وقتی با عناصری نظیر کشتیهای تجاری و جنگی ، پایگاهها و ابزار جنگ ترکیب می‌شود ، قدرت دریایی را به وجود می‌آورد . (حافظ نیا، ۱۳۸۴: ۴۱۸)
- در یک قرن اخیر تلقی از مسأله قدرت در رابطه با دریاها دچار تحول شده است. در گذشته مفهوم قدرت در دریا بیشتر متمرکز بر قابلیت‌های ارتباطی و نظامی بود، ولی امروزه ابعاد گسترده تری یافته است. آنچه تلقی سنتی از رابطه دریا و قدرت را دچار تحول کرده چند مورد است که عبارتند از :
- ۱- توسعه تحقیقات علمی و شناخت ویژگیهای دریاها و اقیانوسها.
 - ۲- توسعه روابط و نیازهای متقابل بین ملتها که نسبت به گذشته بسیار گسترش یافته است و در این میان دریا به عنوان واسطه تأمین نیازهای متقابل بین ملتها عمل می‌کند.
 - ۳- توسعه عرصه‌های عملیات نظامی در دریاها و در واقع گسترش فضایی صحنه‌های عملیات در ماورای خشکیها .
 - ۴- ناکافی بودن منابع خشکی برای رفع نیازهای بشر به دلیل افزایش جمعیت و تحول در الگوی زیست انبای بشر .
 - ۵- به وجود آمدن نقش سیاسی برای دریاها مانند تشکیل اتحادیه‌ها بر مبنای دریاها، حوزه پاسیفیک ، دریای خزر، شورای همکاری خلیج فارس ، حوزه دریای سیاه ، حوزه اقیانوس هند و غیره.
 - ۶- مشخص شدن نقش توریستی دریاها، با توجه به نیازهای روحی بشر و گذران اوقات فراغت سواحل و جزایر نقش مهمی در این زمینه یافته اند. (حافظ نیا، ۱۳۸۳: ۲۰۱)
- دریا امروزه سهم زیادی در شکل گیری قدرت ملی و بین‌المللی کشورها دارد . بنیادهای دریایی قدرت یک کشور عبارتند از :
- (الف) جنبه‌های اقتصادی به اشکال گوناگون مانند :
- ۱- منابع فلات قاره و منابع کف و زیر کف ،
 - ۲- منابع غذایی دریایی ،
 - ۳- منابع تفریحی و توریستی دریایی،
 - ۴- منابع متفرقه اقتصادی نظیر انرژی ، آبزیان ، املاح ، خود آب و غیره ،
 - ۵- مزیت‌های مکانی برای تأسیس کانونهای اقتصادی نظیر مناطق آزاد تجاری و صنعتی .
- (ب) جنبه‌های ژئوپلیتیکی دریا مانند :
- ۱- زمینه سازی شکل‌گیری اتحادیه‌های منطقه‌ای ،
 - ۲- منابع تأثیرگذار بر فرایندهای منطقه‌ای و جهانی نظیر سوخت ،
 - ۳- عوارض دریایی نظیر نقاط استراتژیک (یا نقاط کنترل)
- (ج) جنبه‌های ارتباطی دریا . نقش ارتباطی دریاها در واقع منعکس کننده اتصال جوامع گوناگون و برقراری ارتباط بین کانونهای تولید و مصرف کالا و خدمات است ، نقش ارتباطی دریا در این عرصه‌ها متبلور شده است .
- ۱- انتقال مواد اولیه
 - ۲- انتقال سوخت
 - ۳- انتقال غذا ،
 - ۴- انتقال تولیدات صنعتی ،
 - ۵- انتقال مسافر ،
 - ۶- انتقال تجهیزات و نیروی نظامی و غیره ،
 - ۷- انتقال پیامهای مخابراتی از طریق شبکه‌های الکترونیکی .
- (د) جنبه‌های نظامی دریا در قلمروهای سطحی ، عمقی ، فوقانی و حتی قطبی مانند :
- ۱- حضور نظامی ناوها برای اعمال قدرت سیاسی بخصوص در زمان صلح که به آن دیپلماسی دریایی هم گفته می‌شود .
 - ۲- فراهم سازی امکان دسترسی به سایر نقاط جهان در خارج از قلمرو سرزمینی ، نظیر تواناییهای امریکا در این زمینه
 - ۳- ایجاد نقش جایگزینی سرزمینی در نقاط مختلف جهان با اعزام ناوهای قوی و سنگین که تمام حقوق سرزمینی را دارا هستند .

۴- ممکن سازی محاصره دریایی خشکیها . به طور کلی خشکیهای جهان در محاصره دریاهاست و دریا این امکان را برای قدرت دریایی ایجاد می کند که بتواند خشکی را محاصره و نقش محیطی ایجاد کند .

۵- امکان تهاجم اتمی و غیراتمی به خشکیها و اهداف خشکی و دریایی و هوایی از روی دریا یا زیردریاییها .

۶- عملیات آملی بی (آبی خاکی) و فراهم کردن امکان تهاجم از دریا به خشکی .

۷- فراهم سازی امکان کنترل شبکه دریایی و تسلط بر نقاط استراتژیک بخصوص در زمان جنگ (همان: ۲۰۲-۲۰۴)

در دنیای امروز از جمله عواملی که باعث اهمیت یافتن دریا و قدرت دریایی می شود می توان به موارد زیر اشاره کرد :

اول این که بیش از ۷۰ سطح جهان به وسیله آب پوشیده شده است . دوم این که ۹۰ تجارت جهانی از لحاظ حجم و تعداد از طریق آب صورت می گیرد . این امر شامل بخش اعظمی از مواد خام جهانی نیز می شود . سوم، اکثریت شهرهای بزرگ و مناطق پرجمعیت جهان در حد فاصل ۲۰۰ کیلومتری خط ساحلی قرار دارد و چهارم حقوق بین الملل آزادی دریاهای را به رسمیت شناخته است . (تنگرودی، ۱۳۸۳: ۱۶۷) از سوی دیگر منابع شناخته شده غذایی (پروتئینی) موجود در دریاهای ، قادر به تغذیه بیش از ۵ برابر جمعیت فعلی جهان است و این در حالی است که امروزه بیش از (یک چهارم) جمعیت جهان از نظر تغذیه زیر خط فقر زندگی می کنند . آب و بستر دریاهای منابع سرشار از مواد معدنی و انرژی زاست که میزان آن در خشکی ها رو به کاستی و اتمام است . ارزان ترین ، اسان ترین و مطمئن ترین شیوه جابه جایی کالا و انسان هنوز از طریق دریا است . به طوری که به ازاء مصرف هر اسب بخار انرژی توسط هواپیما ۸ کیلوگرم ، توسط جاده ۱۰۰ کیلوگرم ، توسط راه آهن ۸۰۰ کیلوگرم و توسط کشتی و از طریق دریا ۴ تن بار را می توان جا به جا نمود . دریا امکان اعمال قدرت علیه هر دشمن غیرهمسایه را فراهم می آورد . توان موجود در حرکات فیزیکی دریا (موج و جزر و مد) و همچنین تغییرات حرارتی و شیمیایی در ایه های مختلف آب دریا منبع عظیمی از انرژی است . دریا و به ویژه اعماق غیرقابل دسترس آن هنوز مملو از ناشناخته های بسیار است که حتماً در صورت تحقیق ارمغان های جدید و سودمندی برای بشر خواهد داشت . (سیاری، طحانی، ۱۳۹۰: ۱۲۷)

با نگاهی دقیق به موقعیت جغرافیایی کشورمان در می اییم که بسیاری از ویژگیهای مطرح شده توسط دریا سالار ماهان در کرانه های دریای خزر، خلیج فارس، تنگه هرمز و دریای عمان وجود دارد و جمهوری اسلامی ایران همچون پلی بین کشورهای حاشیه دریای خزر و آبهای آزاد جهان قرار گرفته و دارای عمق استراتژیک ویژه ای در این منطقه می باشد. لیکن به دلیل نبود استراتژی مدون و مشخصی در حوزه دریایی (کامران، ۱۳۸۱: ۵۹۴)، تاکنون زمینه بهره برداری از این موهبت خدادادی فراهم نیامده است.

تاریخ نشان داده که ضعف در دریا نه تنها فرصتهای تاریخی را از هر کشوری سلب کرده بلکه تهدیدات جدی را تحمیل نموده است. از این رو در جهان کنونی سهولت تحرک در دریا و سیادت دریایی مافوق قدرت قاره ای محسوب می شود. (محمودی، ۱۳۸۹: ۹۲)

با تأسف هنوز در بررسی طرحهای ملی همچون طرح آمایش سرزمین ، سیاست بری حاکم بوده و حتی دریا همسنگ خشکی دیده نشده است گرچه باید دریا محور و در اولویت قرار گیرد . اگر اینگونه شود می توان شیلات را جایگزین نفت نمود و صنایع دریایی و تبدیلی آنرا رونق دارد و انگیزه های متفاوتی را برای تلاش ساحل نشینان و جزیره نشینان بوجود آورد که از مهاجرت آنان به سوی شهرهای بزرگ و حتی آن سوی مرز جلوگیری شود . (کامران، ۱۳۸۱: ۵۸)

سرنوشت کشور عزیز ما ایران ، چه بخواهیم و چه نخواهیم ، با دریا گره خورده ، بخش اعظم منافع ملی و منابع ما در دریا قرار دارد و یا از طریق دریا تأمین می شود و در عین حال بزرگ ترین تهدیدهای منابع، منافع و امنیت ملی ما ، از طریق دریاهای اعمال می شود .

وجود منابع سرشار نفت و گاز و سایر مواد معدنی در آب های سرزمینی و فلات قاره ایران ، وجود بیش از ۳ هزار کیلومتر مرز آبی ، انجام بیش از ۹۰ درصد تجارت جهانی ایران از طریق دریا ، قرار گرفتن در قسمت شمال خلیج فارس ، تنگه هرمز و دریای عمان و مجاورت با دریای خزر بیش از پیش ، اهمیت داشتن یک قدرت دریایی برتر را در منطقه برای کشور ما ضروری می نمایاند . (سیاری، طحانی، ۱۳۹۰: ۱۲۸) در این زمینه دکتر جلیلی دبیر شورای عالی امنیت ملی در اولین همایش نیروی دریایی راهبردی تصریح نمودند: "اگر قدرت دریایی ایران غیر قابل انکار است ریشه در اهداف انقلاب اسلامی دارد. کشورهای منطقه نمی توانند قدرت منطقه ای ایران را نادیده بگیرند. یکی از شاخص های مهم توانمندیهای ما برگرفته از قدرت دریایی ایران است. اقتدار دریایی یک ضرورت راهبردی است که وظیفه دارد از شان جمهوری اسلامی ایران حفاظت کند."

لذا در اینجا این سوال مطرح می شود که چرا ایران با داشتن سوابق تاریخی درخشان ، دارا بودن سواحل طولانی و ارتباط مستقیم با دریاهای آزاد ، بریدگی های ساحلی مناسب و کافی برای ایجاد بنادر و همچنین در اختیار داشتن آب های گرم و امکانات طبیعی دفاعی ساحلی و نیز جمعیت نسبتاً خوب دریایی و مجاورت با انبارهای بزرگ انرژی و فضاهای بسیار مناسب جهت توسعه صنعت شیلات و گردشگری دریایی ، تاکنون نتوانسته موقعیت مناسبی را در دریانوردی و بهره برداری از منابع و منافع دریایی آن چنان که شایسته جمهوری اسلامی ایران باشد کسب نماید ؟

برخی از عللی را که می توان برای این کم توجهی بعضی حکومتها در ایران ذکر کرد به طور خلاصه عبارتند از:

الف - فقدان راهبرد مدون توسعه نفوذ ملی در عرصه های گوناگون سیاسی ، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، علمی و صنعتی در سایر ممالک

ب - جهت تهاجمات خارجی ، که اغلب از سوی خشکی بوده ، که در نتیجه ، توجه حکام وقت را بدان سو جلب می‌نموده است .
پ - مناطق دریایی شمال و جنوب اغلب به عنوان مناطق دریایی داخلی و دور از صحنه رقابت های نظامی قرار داشته است .
ت - درگیری حکومت ها در مسائل داخلی

ث - عدم استقلال در فناوری دریایی

ج - نامساعد بودن اقلیم و ضعف پوشش گیاهی در مناطق ساحلی به ویژه خلیج فارس و دریای عمان

چ - عدم شناخت نخبگان کشور از پتانسیلهای بالقوه دریایی در حوزه های گوناگون سیاسی ، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، علمی و صنعتی

ح - ناآشنایی عامه مردم نسبت به دریا و فرهنگ دریا (سیاری، طحانی، ۱۳۹۰: ۱۲۱)

خ - تمرکز گرایی شدید نظامهای حکومتی در ایران و اتکا آنها به اقتصادهای تک محصولی

که هر یک از دلایل فوق و یا مجموع آنها به روشنی موید عدم توجه کافی عمده حکومتهای ایرانی به قدرت و سیادت دریایی بوده است.

اجرای سیاست خشکی ، سبب عدم توسعه یافتگی نوار ساحلی ، بنادر و جزایر کشور (که هر یک میتوانند تاثیرات فراوانی در ارتقای قدرت ملی و صیانت از منافع ملی کشور داشته باشند) گردیده است . این نوع نگرش به دریا سبب شده است که بهره برداری از دریا عمدتاً به استحصال و فروش نفت و گاز محدود شده و اقتصاد تک محصولی را به عنوان شیوه غالب ، بر اقتصاد کشور تحمیل نموده و منجر به تمرکز گرایی شدید و بروز پدیده مرکز- پیرامون در فضای سرزمینی کشور گردد. این پدیده ، پیامدها و تاثیرات منفی فراوانی در پی داشته است که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره نمود:

افزایش فرایند تمرکز گرایی ، افزایش نارضایتی های اقتصادی - اجتماعی ، ادامه روند مهاجرت و حاشیه نشینی در اطراف پایتخت و چند شهر بزرگ ، عدم توسعه مناطق ساحلی ، افزایش احساس تبعیض و فاصله طبقاتی ، گسستگی پیوند ارگانیک بین بخشهای مختلف اقتصادی و مناطق مختلف کشور ، افزایش تخریب محیط زیست و فشارهای اکولوژیکی بویژه در اثر رشد بی رویه شهرهای بزرگ ، عدم بهبود در وضع اشتغال و ادامه روند بیکاری ، توزیع نامتوازن جمعیت و تخلیه برخی از بخشهای کشور ، کاهش سطح مبادلات تجاری و بازرگانی و به تبع آن کاهش سطح روابط دیپلماتیک با سایر کشورها ، عدم بهره برداری از موقعیت ویژه ژئوپلیتیکی کشور در حوزه دریاها، بی توجهی به بازار پر درآمد صنایع دریایی و غیره .

این در حالی است که با تغییر سیاست از خشکی به دریا و اتخاذ راهبرد دریایی و آشنا نمودن دولتمردان و آحاد ملت با فرهنگ دریایی ، قادر خواهیم بود از این موهبت الهی (موقعیت ویژه دریایی کشور) ، در ابعاد گوناگونی چون حمل و نقل دریایی، گردشگری دریایی، تجارت دریایی ، منابع سطح و زیر سطح دریایی، منابع کف و زیر کف دریا، تولید انرژی از امواج دریا و ارتقای سطح دانش و تکنولوژی دریایی و عرضه آن به سایر کشورها نهایت بهره را برده و با بستر سازی مناسب ، امکان اسکان جمعیت بیشتر در نوار ساحلی کشور را فراهم نموده و از این طریق به توسعه اشتغال ، ترویج فرهنگ دریایی، رشد صنایع دریایی ، ارتقای همبستگی ملی در نواحی پیرامونی و افزایش سطح امنیت در مرزهای دریایی (که تاثیر گذار بر امنیت ملی است) مبادرت ورزیم.

از جمله قابلیت‌های برجسته و شاخص جمهوری اسلامی ایران جهت شکل دهی و ارتقای قدرت دریایی می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

الف) وجود روحیه سلحشوری و آمادگی مردم برای بسیج در مقابل هرگونه تجاوز بیگانه با توجه به تجربه هشت سال دفاع مقدس .

ب) خط مشی حکومتی رهبران سیاسی و نظامی با توجه به تدابیر مقام معظم فرماندهی کل قوا در راستای حفظ منافع ملی در دریا

پ) داشتن وسعت سرزمینی و عمق راهبردی

ت) داشتن نیروی انسانی مستعد و پویا

ث) در اختیار داشتن سواحل طولانی ، بنادر و جزایر با موقعیت‌های راهبردی

ج) داشتن سابقه طولانی در دریانوردی و تجربه در دریا

چ) داشتن منابع اقتصادی غنی و بالقوه

ح) داشتن ناوگان تجاری و بومی قابل توجه

خ) داشتن مراکز آموزشی دریایی در سطوح مختلف

د) توانایی ساخت و تعمیر و نگهداری انواع شناورهای سبک و سنگین در صنایع دریایی خصوصی، دولتی و نظامی

ذ) اشراف داشتن به حیاتی‌ترین گذرگاه نفتی جهان (تنگه راهبردی هرمز)

ر) داشتن مقادیر قابل توجه ذخایر معدنی ، زیرزمینی و انرژی فسیلی (مواد خام)

ز) برخورداری از کارکنان نظامی دریایی با توان و تجربه بالا (سیاری، طحانی ، ۱۳۹۰: ۱۳۴)

۸ - نتیجه گیری :

با توجه به جایگاه ویژه ژئواستراتژیک جمهوری اسلامی ایران در منطقه و جهان ، برخورداری از مناطق دریایی ویژه ، دارا بودن سواحل طولانی در مجاورت خلیج فارس، تنگه هرمز، دریای عمان و دریای خزر، داشتن سابقه طولانی در دریانوردی و نیروی انسانی مستعد و پویا ، لزوم اتخاذ راهبرد دریایی به عنوان راهبرد غالب در دستیابی به اهداف ملی و صیانت از منافع ملی و ارتقای سطح قدرت ملی در منطقه و جهان کاملاً محسوس بوده و توجه ویژه نخبگان سیاسی ، برنامه ریزان و دولتمردان را به این امر طلب می نماید. در این راستا مطالب ذیل جهت رشد و توسعه جایگاه دریایی کشور پیشنهاد می گردد :

الف - ایجاد وزارت دریاداری

ب - احیا یک نیروی دریایی قدرتمند

پ - برخورداری از تسهیلات مؤثر بنادر تجاری

ت - خودکفایی در تشکیلات ، تعمیر و نگهداری در حوزه صنایع دریایی

ث - خودکفایی در ساخت یگانهای شناور رزمی و تجاری

ج - خودکفایی در بهره برداری از منافع اقتصادی دریایی

چ - خودکفایی در تربیت و آموزش تخصصهای دریایی

ح - بهره گیری از بهترین ، تواناترین ، کارآفرین ترین ، متعهدترین نیروها در بخش دریا

خ - تأمین نیازهای مشترک صنایع دریایی در داخل

تهیه طرح جامع بنادر

د-تشکیل دادگاههای دریایی در بنادر عمده

ذ-پشتیبانی همه جانبه دولت از ایجاد صنایع کشتیرانی توسط بخش خصوصی

ر-انجام سرمایه گذاری زیربنایی در زمینه راه آهن ، فرودگاه و جاده های کشتوری و انتقال ترافیک زمینی به دریا

ز-گسترش استفاده های تفریحی از قایقها و شناورهای کوچکتر و ایجاد مکانهای سکونتی و پذیرایی در محوطه های بندری و تشویق بازدید مردم از نحوه کار شاغلان دریایی و کلاً فعال نمودن بخش گردشگری دریایی

ژ-مکانیزه نمودن صید و صیادی و توسعه صنعت شیلات

س-کاربردی کردن آموزش های دریایی ایجاد مراکز و رشته های مرتبط با علوم دریایی در سطح وسیع

ش-تعیین درصد مشخص از بودجه فعالیتهای صنایع دریایی جهت امر پژوهش

ص-توجه به مسائل زیست محیطی

ض-تمرکز زدایی نسبی و توجه ویژه به نوار ساحلی و اجرا طرح های آمایش ساحلی

ط-پیاده سازی هر چه سریعتر نظام مدیریت یکپارچه سواحل (ICZM)، در کشور

ظ-بهره گیری از سیستمهای نوین اطلاعاتی در امور ساحل و دریا

منابع:

[۱] ابراهیم زاده ، عیسی ، آمایش سرزمینی و برنامه ریزی محیطی در جنوب شرق ایران ، تهران ، انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۹

[۲] احمدی پور ، زهرا و لشگری، احسان ، چالشهای ژئوپلیتیکی ایران در بهره برداری از منافع خود در خزر ، مطالعات اوراسیای مرکزی ، شماره ۶ صص ۱-۱۸، بهار و تابستان ۱۳۸۹

[۳] اخباری، محمد و نامی ، محمد حسن، جغرافیای مرز با تاکید بر مرزهای ایران ، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۸

[۴] بلیس، جان و ویرترز جیمز، کوهن، الیوت گری اس ، استراتژی در جهان معاصر ، مترجم کابک خبیری، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۳

[۵] حافظ نیا ، محمد رضا و کاویانی راد ، مراد، افقهای جدید در جغرافیای سیاسی ، تهران ، انتشارات سمت، ۱۳۸۳

[۶] حافظ نیا ، محمدرضا ، خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز ، تهران ، انتشارات سمت ، ۱۳۸۴

دانشگاه دریانوردی و علوم دریایی چابهار، منطقه سوم نیروی دریایی راهبردی ارتش جمهوری اسلامی ایران-کنارک

- [۷] حافظ نیا ، محمدرضا ، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک ، مشهد ، انتشارات پاپلی، ۱۳۸۵
- [۸] حافظ نیا، محمد رضا و رومینا ، ابراهیم ، تحلیل ظرفیتهای ژئوپلیتیک سواحل جنوب شرق ایران در راستای منافع ملی (فضای مورد غفلت) ، مجله جغرافیا و توسعه ، شماره پیاپی ۶، ۱۳۸۴
- [۹] زین العابدین، یوسف ، درآمدی بر جغرافیای سیاسی پیشرفته، رشت، انتشارات کتیبه گیل، ۱۳۸۵
- [۱۰] سیاری، حبیب الله وطحانی ، غلامرضا ، ۱۳۹۰، راهبردهای قدرت دریایی، تهران، انتشارات دافوس آجا
- [۱۱] عزتی، عزت الله ، ژئواستراتژی، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۴
- [۱۲] عزتی ، عزت الله ، جغرافیای استراتژیک ایران، تهران ، نشر سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۸
- [۱۳] کامران ، حسن ، جغرافیای نظامی جزایر (قشم ، لارک ، هنگام)، تهران ، انتشارات انجمن جغرافیایی ایران، ۱۳۸۱
- [۱۴] کامران، حسن، جایگاه سیاست دریایی در جمهوری اسلامی ایران ، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران ، صص ۵۸۵ - ۵۹۸ ، زمستان ۱۳۸۱
- [۱۵] لطفیان، سعیده، استراتژی و روشهای برنامه ریزی استراتژیک، تهران، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل، ۱۳۸۷
- [۱۶] مجتهدزاده ، پیروز ، جغرافیای سیاسی و سیاست های جغرافیایی ، تهران ، انتشارات سمت ، ۱۳۸۶
- [۱۷] محمودی، مهرداد، جهانی سازی و سیادت دریایی ، فراقدرت قاره ای ، شماره ۱۹۷، پیام دریا آذر ۱۳۸۹
- [۱۸] مینایی، مهدی ، درآمدی بر ژئواستراتژی، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۶